دانشگاه باقرالعلوم (ع)

حکمت آیین

فصلنامه علمی- تخصصی
سال سوم / بهار ۱۳۹۱/شماره مسلسل ۱۱

○ بررسی تطبیقی جبر و اختیار از منظر ابن سینا و ابن عربی
○ تأثیرپذیری شیخ اشراق از حکمت خسروانی
○ تبیین منابع معرفت شناختی اسلام و بررسی نقش آنها در اسلامی سازی علوم
○ بررسی نظریهٔ ساختارگرایی از منظر متعالیه
○ رویکرد حقوقی در دین‌پژوهی و عدم امکان استقراء تام در رهیافت‌های مطالعات دینی
○ سیر تکاملی فهم عالمان مسلمان از مسئله اختیار
○ معاد از دیدگاه شیخ اشراقی

۱۱

فصلنامه آیین حکمت
سال سوم، بهار ۱۳۹۱، شماره مسلسل ۱۱

تبیین منابع معرفت شناختی اسلام و بررسی نقش آنها در اسلامی سازی علوم

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۱/۳ تاریخ تأیید: ۹۱/۲/۷

علی اکبر رهنما*
سیدعلیرضا صفوی**

هدف اساسی پژوهش حاضر تبیین منابع معرفت‌شناختی اسلام و بررسی نقش آنها در اسلامی‌سازی علوم است. بر این اساس، دو سؤال پژوهشی در خصوص «منابع معرفت‌شناختی اسلام» و «نقش منبع معرفتی وحی در اسلامی‌سازی علوم» مطرح و مورد مطالعه قرار گرفت. روش انجام این پژوهش توصیفی ـ تحلیلی بوده است یافته‌ها نشان می‌دهد که در اسلام تجربه، عقل، نقل و وحی از منابع معرفت‌شناختی به شمار می‌آیند و اینکه نقش آنها در اسلامی‌سازی علوم، از حیث تمایزشان با منابع معرفت‌شناختی، در دو رویکرد رایج علمی اثبات‌گرایی و مابعد اثبات‌گرایی است. در اسلام، وحی از جایگاه معرفتی ارزشمندی برخوردار بوده، در حوزه‌هایی چون «احکام و تکالیف»، «امثال و حکم»، «معارف مربوط به عالم غیب» و «اصول شناخت» نقش تعیین‌کننده‌ای در تعلیم و تربیت بشر ایفا نموده است.

* عضو هیئت علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه شاهد.
** کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش.

واژه‌های کلیدی: منابع معرفت‌شناختی اسلام، اسلامی‌سازی علوم، وحی، عقل، نقل و تجربه.

مقدمه

معرفت‌شناسی[i] یا نظریهٔ معرفت شاخه‌ای از فلسفه است که به بررسی چیستی و حدود دانش، پیشرفت‌ها و مبانی آن می‌پردازد و قابلیت اعتماد به ادعاهای معرفتی را می‌سنجد. *(هاملین، ۱۳۷۴: ۶۵)*

در خصوص ضرورت پرداختن به منابع معرفت‌شناختی از دیدگاه اسلام باید گفت که در دین اسلام، اولین واجب شناخت و معرفت خداوند معرفی شده است؛ «اَوَّلُ الدّینِ مَعْرِفَتُهُ، چنان‌که از امامان معصوم علیهم‌السلام نیز رسیده است که عصارهٔ علوم در چهار قسم خلاصه می‌شود: اوّل آنها این است که خدایت را بشناسی، ولی قبل از معرفت معروف شناخت خود معرفت لازم است؛ یعنی معرفت‌شناسی مقدم بر خداشناسی می‌باشد، چون مقدمهٔ اوست، گرچه خداشناسی مقدم بر اوست، چون هدف وی به شمار می‌آید *(جوادی آملی، ۱۳۷۲: ۲۷)* به عبارتی دیگر، در اسلام، معرفت‌شناسی به خودی خود ارزشمند نیست بلکه وسیله‌ای است برای هدف و مقصودی والاتر که همانا شناخت خدای تبارک و تعالی است.

در پی بحث‌های معرفت شناختی، بحث‌های مربوط به چیستی علم و علم‌شناسی مطرح می‌گردد. در فرهنگ اسلامی نیز، یکی از اصلی‌ترین و کلیدی‌ترین مفاهیم «علم» است، تا آنجا که می‌توان گفت هویت هر فرهنگی در

i. epistemology.

چگونگی برخورد و برداشت آن از مفهوم علم تأمین و تعیین می‌گ
علم توحید دایر مدار و مرکز همهٔ ارزش‌ها قرار دارد و راه یافتن ب
و رستگاری انسان‌ها شمرده شده است. در مقابل، در فرهنگ امرو
تجربی و طبیعی بر صدر نشسته و رمز اقتدار، توسعه و پیشرفت
منحصر به فرد تمدن و فرهنگ مغرب زمین شده است. در فرهنگ
از هویتی دینی و الهی برخوردار است، به گونه‌ای که در حدیثی آم
نُورٌ یَقْذِفُهُ اللهُ فی قَلْبِ مَن یشاء» علم نور روشنائی بخشی است ک
قلب و ضمیر هر کسی که بخواهد آن را روشن می‌کند.

اما در فرهنگ غرب، علم عمدتاً از هویتی دنیوی و مادی برخور
عبارتی چنین تلقی از علم باعث گردیده است که فرجام گرایی و غ
از ویژگی‌های علم دینی است امروزه در محافل علمی به فراموشی
علم بشر به بررسی علل قابلی بپردازد. *(ر.ک: باربور، ۱۳۷۴: ۵۶)*

بحث از معنا، امکان و ضرورت پرداختن به علم دینی چندی اس
صاحب‌نظران و محافل علمی را به خود مشغول داشته است. معنا
نیز این است که می‌توان علمی داشت که هم بهره‌ای از عقلانیت
باشد و هم به آموزه‌های وحیانی و الهی توجه داشته باشد.

طبیعی است که برای داشتن چنین علمی باید به بررسی ماهیت
اقدام کرد؛ مهم‌ترین کار در این راستا بررسی و واکاوی مبانی م
علمی است. از آن میان، می‌توان به مبانی متافیزیکی (جه
انسان‌شناسی)، مبانی معرفت‌شناختی و مبانی ارزش‌شناسی (اخلاق
اشاره کرد که هر کدام به سهم خود و متناسب با حوزهٔ بررسی‌های